علی نصیریان:

خلاقیت باید در اولویت کارهای عاشورایی باشد

چهارمین همایش سراسری آئین های عاشورایی از اول تا ۵ بهمن در تبریز برگزار می شود. در این رویداد ۱۴ گروه نمایش آثار صحنه ای را اجرا می کنند و داوری این نمایش ها به عهده استاد علی نصیریان، دکتر محمود عزیزی و امیر دژاکام است. گفت و گو با دو تن از داوران این همایش را می خوانید.

[بهمن عبداللهی]

استاد علی نصیریان از باسابقه ترین فعالان عرصه تئاتر در کشور ما به شمار می آید. وی که امروز ۷۳ سال دارد، از سال ۱۳۳۵ و پس از ورود به هنرستان هنرپیشگی تهران وارد کار بازیگری و کارگردانی نمایش شده است. او تا امروز بیش از یکصد تئاتر صحنه ای و تلویزیونی در کارنامه دارد. نصیریان نشان درجه یک هنری از شورای سیاستگذاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دریافت کرده و بارها به عنوان یکی از پیشکسوتان عرصه تئاتر و نمایش های سنتی- آئینی تقدیر شده است.

بلبل سرگشته، پدر، کاپیتان قراگز، چوب به دست های ورزیل، سگی در خرمن جا، لونه شغال، هفت شب با میهمان ناخوانده، پنجره ها و... ازجمله فعالیت های وی در حوزه کارگردانی و بازیگری اش محسوب می شوند. استاد نصیریان پیش از این در جشنواره هایی همچون تئاتر فجر، نمایش های سنتی آئینی، جشنواره تئاتر رضوی و... به عنوان داور حضور داشته است.

■ آقای نصیریان، به نظر شما برگزاری «همایش سراسری آئین های عاشورایی» تا چه حدی می تواند در فضای کلی تئاتر کشور اهمیت پیدا کند؟

اساساً فعالیت های نمایشی در حوزه آئینی و سنتی می تواند نقش مهمی ایفا کند. البته در اینجا بخش آئینی موردتوجه قرار گرفته است.

به هرحال اگر نمایش های آئینی ریشه های تئاتر هستند و اگر به صورت خیلی دقیق و حساب شده ای ساخته شوند می توانند اله مان ها و خصوصیات آئین ها را وارد تئاتر امروز کند. این رویکرد کارهای بسیار نوآورانه ای می تواند باشد و اگر چنین اتفاقی بیفتد، برای این که بخش آئینی که شامل تعزیه، شبیه خوانی، پرده خوانی، منقبت خوانی و غیره است شکل ناب خود را دارد و در صورتی که وارد تئاتر امروز شوند به نظر من بسیار می توانند تأثیرگذار باشند، ضمن آن که این آئین ها ریشه های تئاتر ما هستند. در نتیجه اگر آثاری پدید آیند که با توجه به آئین های نمایشی و قدیمی ما وارد نمایش های جدید با موضوعی

نگاه خلاقه چیزی است که مخاطب حضور نویسنده، کارگردان یا خالق اثر را - جدا از استفاده از آئین ها و جدا از اشاراتی که به عاشورا دارد - حس کند

امروزی شکل گرفته باشند، این آثار ضمن آن که جالب توجه خواهندبود به تئاتر ما کمک خواهندکرد.

■ شما با فعالیت های نمایشی دوره های قبل «همایش آئین های عاشورایی» آشنا هستید و در جریان برگزاری این دوره ها بودید؟

به طور مستقیم نه، اما آثار تعزیه را بیشتر می دیدم و با نمایش های صحنه ای که برگرفته از آئین های عاشورایی بودند آشنایی ندارم. البته کارهایی را دیده ام اما به طور متمرکز برنامه های سه دوره گذشته را دنبال نکرده ام.

■ فکر می کنید چنین رویدادی باید حائز چه ویژگی هایی باشد که تأثیرگذاری بیشتری داشته باشد؟

بهره گیری از آئین و به کار گرفتن آئین در ساختار یک اثر نمایشی بیشتر در کار خلاقه آن است. یعنی نباید صرفاً در یک اثر نمایشی با جمع آوری تعدادی از آئین های قدیمی را به دنبال همدیگر نشان بدهیم. نکته اینجاست که هنرمند از آئین استفاده کند، حالا در روایت، ساختار و غیره باید نوآوری داشته باشد. خالق این گونه آثار باید کار خلاقه در استفاده از مضمون عاشورا داشته باشد.

البته «عاشورا» اشاره ای است که می تواند در زندگی اجتماعی امروز تعمیم پیدا کند. حالا لازم نیست که همه کارها شبیه یکدیگر باشد و گرچه موضوع همه همین است اما می تواند به شکل های گوناگون نمود داشته باشد وحتی به زندگی اجتماعی امروز اما اشاره داشته باشد، البته به شرطی که با یک صداقت و حس واقعی و درستی پرورده شود و با خلوصی که مدنظر است بتوانند مسائل آئینی را در کارشان لحاظ کنند. بنابراین اگر در کارها اشاراتی چندگونه داشته و هم موضوع عاشورا و هم مسائل امروز جامعه را در خود داشته باشد، از طرف دیگر خلاقه باشد، صداقت در آن دیده شود، فرم و ساختار و اسکلت همچنین قصه و موضوع و مضمون درست داشته باشد می توان گفت به این فضا پرداخته اند.

به هر حال عاشورا مسأله حق و باطل، جهل و دانایی، سیاه و سفید و زشتی و پاکی در مقابل هم است و خالق یک اثر اگر بتواند ترکیبی از آئین های عاشورایی و مسائل امروز را در یک نمایش ایجاد کند می توانیم بگوییم اثرگذار است.

■ جدا از برگزاری همایش آئین های عاشورایی که چهار سال است به طور مداوم برگزار می شود و تعدادی از گروه ها و هنرمندان به این موضوعات پرداخته اند، اساساً چرا در آثار نمایشی اجرا شده در طول سال کمتر به این مضامین پرداخته می شود؟

علتش کمبود در خلاقیت است، کار خلاقه و نگاه خلاق باید وجود داشته باشد، نه نگاه تألیفی. تألیف چیزی است که با نگاه به سنت ها، آئین ها، قصه ها و یا وقایع مختلفی همچون محرم و عاشورا می تواند شکل پیدا کند. اما نگاه خلاقه چیزی است که مخاطب حضور نویسنده، کارگردان یا خالق اثر را - جدا از استفاده از آئین ها و جدا از اشاراتی که به عاشورا دارد - حس کند. این موضوع چیزی است که نه به عنوان یک ادا و کالای ساختگی بلکه اثری است که خالق آن به شکل صادقانه ای از وجودش حس کرده و پدید آورده است. مسأله عاشورا، مسأله ظلم و عدالت است، مسأله تجاوز، پایمال کردن حقوق، حق و باطل و... است که در زمانه ما هم جریان دارد و در دنیا جاری است. اگر خالق اثر بتواند این خلاقیت را داشته باشد موفق است. او باید ببیند عاشورا چه می خواهد بگوید، مضمونش چیست؟ امام حسین(ع) چه چیزی می خواست بگوید. فکر می کنم این مضمون والا راز ماندگاری قیام عاشورا را نشان می دهد. به همین دلیل هم همواره حضور دارد. مسأله حق و باطل چیزی نیست که از میان برود بلکه همواره وجود دارد و امروز هم وجود دارد. پدیدآورنده یک اثر باید بتواند با استفاده از شیوه نمایش های آئینی ما کار خود را ارائه بدهد. به هر حال شیوه نمایش های آئینی ما عناصر رئالیستی نیست بلکه بیشتر حالت روایت دارد، حتی شخصیت ها راوی هستند و شخصیت های واقع گرایی نیستند. در واقع امام حسین(ع) و شمر و ابن سعد و به طور کلی همه، روایت گر نقش ها هستند. حالا اگر خالق اثر بتواند از آن شیوه ها و اسکلت استفاده کند، اشکالی ندارد، اما باید بتواند از این منظر نقبی به زندگی امروز بزند و فکر و ذهن و خلاقیت خودرا به مسائل آئینی عاشورایی اضافه کند، آن وقت کار او اثر در خور توجهی خواهد شد.

■ آقای نصیریان، معیارها و ملاک های شما برای داوری و قضاوت آثار شرکت کننده در همایش آئین های عاشورایی چیست و در داوری چه نگاهی دارید؟

خب، ملاک ها و معیارهای هر کسی که داوری آثار را می پذیرد متفاوت است، این ملاک ها نظر شخصی است، اما از سوی دیگر ملاک هایی وجود دارد که مربوط به دانش کارما می شود، معیارهایی همچون مضمون، ساختار، پختگی، صداقت، تصنعی نبودن، ارزش های هنری و فرهنگی، ابداعات، خلاقیت، شناخت سنت، دقت در کشف برخی از نکته ها و... می تواند در این ارزیابی مورد توجه قرار گیرند. این را هم بگویم که استفاده از عناصر آئین های عاشورایی در کارها ممکن است ساده به نظر برسد اما ممکن است هنرمندی آنقدر خوب دقت کرده باشد و نکاتی را کشف کرده باشد که در نگاه اول ما ندیده ایم و مردم با آنها آشنا نباشند. موضوع «خلاقیت» هم که عرض کردم مهمترین بخش را تشکیل می دهند. به هر حال تئاتر یک کار جمعی است و خلاقیت در بخش های مختلفی همچون متن، کارگردانی و اجرا می تواند نمود داشته باشد. البته دو دوست عزیز و گرانقدر هم در کنار من هستند که با توجه به جمیع نظرات داوری انجام خواهد شد. کار تئاتر مقوله ای است که با عناصر نمایشی سر و کار دارد و ما از لحاظ نمایشی از لحاظ فرم، ساختار، مضمون، ارتباط با موضوع همایش - که در اینجا عاشورا است - بررسی کنیم. به هر حال این همایش یک همایش موضوعی است و باید مرتبط با موضوع باشد، مثلاً در جشنواره تئاتر رضوی که داور بودم کارهایی آمده بودند که از لحاظ موضوع خیلی با امام رضا(ع) ارتباط پیدا نمی کرد گرچه کارهای بدی هم نبودند.

امیر دژاکام:

جامعه شیعی علاقه مند به آئین است

امیر دژاکام از شناخته شده ترین نام ها در حوزه تئاتر کشور است. او متولد ۱۳۴۱ تهران بوده، کارشناسی تئاتر را از دانشکده هنرهای زیبا و کارشناسی ارشد کارگردانی را از دانشگاه تربیت مدرس دریافت کرده است. وی تا امروز بیش از ۴۰ نمایش را نوشته یا کارگردانی کرده است که این آثار از جمله فعالیت های گروه «ماهان» تحت سرپرستی اوست. دژاکام به عنوان استاد در دانشگاه آزاد اسلامی و نیز دانشگاه های سوره و دانشکده سینما تئاتر دانشگاه هنر تدریس می کند و تاکنون به عنوان داور در جشنواره های استانی، منطقه ای، فجر، همایش سراسری تئاتر خیابانی، طنز، دانشجویی و... حضور داشته است. «شمس»، «شهرزاد»، «سیاوش خوانی»، «دزد دریایی»، «ضیافت شیطان»، «پسر کارون»، «اجازه شقایق» و... از جمله آثار وی در صحنه تئاتر هستند.

■ آقای دژاکام، ارزیابی شما از برگزاری «همایش سراسری آئین های عاشورایی» چیست؟

گر بشکافی هنوز، خاک شهیدان عشق، آید از آن کشتگان، زمزمه دوست دوست / عاشق دیدار دوست، دوست که همچون حسین، زردی رخسار او، سرخ ز خون گلوست

از نظر من در سرتاسر سال هر چه قدر که تئاتر کار شود باز هم کم است، به دلیل این که ما تقاضای بسیار زیادی برای کار در کشور داریم و این تقاضا بدون پاسخ مانده است. اشتباه نکنید وقتی می بینید برخی سالن ها خالی است به این دلیل است که هیچ تبلیغی برای آنها وجود ندارد. وقتی اثری در یک شهرستان اجرا می شود با انبوهی از جمعیت روبه رو می شود. پس فعالیت های تئاتری تماشاگر دارد و به طور عام این فعالیت ها مثبت است. اما وقتی به صورت خاص به آئین های عاشورایی می پردازیم باید با دقت به آنها نگاه شود.

«آئین های عاشورایی» سرتاسرشان آئین هستند. اینها هیچ کدام نمایش نیستند. توجه کنید که آئین و نمایش هرگز در یک جا جمع نمی شوند. این موضوع نکته ای بسیار ظریف و تخصصی است. در واقع «نمایش» هم می تواند پاره ای از ویژگی های «آئین» را داشته باشد اما آئین نیست. البته این که این دو بر هم منطبق نیستند نه حسن است و نه قبح، بلکه حکایت از تفاوت دو پدیده دارد. اگر به این تفاوت دقت نکنیم دچار مشکل می شویم. ببینید «آئین های عاشورایی» یک وجه اش و یکی از رویکردهایش باید این باشد، آئین هایی که برای دهه اول ماه محرم یا در طول محرم اتفاق می افتادند، به صورت دقیق، روباره و در سراسر ایران اجرا شوند. در واقع همایش باید به شدت دقت کند که تمام نواها، نوحه ها، صداها، شکل ها، شعرها، نقاشی ها، تابلوها، مراسم و... را در خود داشته باشد. این موضوعات باید به صورت آئین اجرا شوند چون اگر جابه جا شوند، زمان و مکان آنها تغییر کند دیگر آئین نیستند. آئین به «گذارنده» معتقد و «شریک» معتقد نیاز دارد.

این خود یکی از تفاوت های آئین با نمایش است. در نمایش بازیگر و تماشاگر داریم اما در آئین گذارنده و شریک معتقد داریم. مثلاً یک مسیحی اگر بیاید در مراسمی بایستد و نگاه کند البته شریک است اما شریک معتقد نیست، بلکه شریکی است که با احترام نگاه می کند. حالا اگر یک توریست بیاید به آئین ما نگاه کند او دیگر شریک نیست بلکه تماشاگر است و آن مراسم برای او آئین نیست.

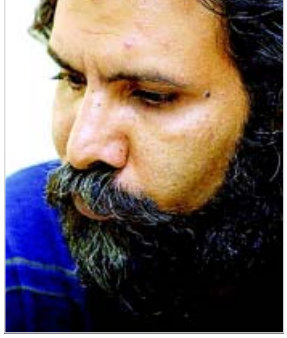

اگر بخواهیم آئین های عاشورایی را به درام تبدیل کنیم باید روی قوانین تئاتر تمرکز کنیم

■ در حال حاضر، جدا از برگزاری این همایش چه نگاهی در حوزه تئاتر به این گونه نمایش ها و آئین ها وجود دارد؟

نمایش های مذهبی تعریف دیگری دارد، باید مشخص کنید که درباره آئین حرف می زنید یا نمایش؟

■ از این جهت پرسیدم که در این همایش بخشی به عنوان نمایش های صحنه ای با موضوع عاشورا وجود دارد که برخی از آنها از آئین های عاشورایی بهره گرفته اند.

رویکرد جامعه به آئین ها مثبت است. جامعه ایران جامعه ای شیعی و علاقه مند به آئین است، آن را دوست دارد، در آن شرکت می کند و معتقد به آن است. حالا اگر بخواهیم آئین های عاشورایی را به درام تبدیل کنیم باید روی قوانین تئاتر تمرکز کنیم. یعنی در این همایش حرکتی داریم به سوی زیبایی شناسی، عقل، خرد، سیستم های تئاتری و سایر اجزای هنر تئاتر. اینجا ساختمان و ویژگی های تئاتری هر چند در طول تاریخ متفاوت بودند اما به هر حال در حوزه خاصی حرکت کرده اند. حالا باید ببینیم با این رویکرد به گذشته نگاه کنیم یا اکنون. تئاتر، تئاتر است، اما تئاترهای مختلفی داشتیم که موضوعات مختلفی را همچون مذهبی، سیاسی، آموزشی و... حمل می کردند و به اعتبار موضوعی که به آن می پرداخته صاحب تغییرات شکلی و زیبایی شناسی هم می شده، اما این طور نبوده که تئاتر از ذات خود خارج شود. اما مثلاً وقتی گرایش به موضوع مذهبی پیدا می کند نمی تواند دیگر اپیک باشد چون ساختار آن عقایدی دیگر را می طلبد، اینجا هم یک بحث تازه پدید می آید و آن این که «آیا می تواند صاحب یک ساختار علت و معلولی باشد؟» که به عقیده من نمی تواند. در نتیجه در کنار آن که ما می خواهیم آئین های عاشورایی را حفظ کنیم، باید تلاش کنیم صاحب شکل جدیدی از تئاتر شویم که درباره موضوعی صحبت می کند. موضوعی به نام «عاشورا». حالا فرض کنید ما خواستیم این تئاتر را ببریم مثلاً در آمریکا، اروپا، آفریقا و یا هر جای دیگری اجرا کنیم، تماشاگر بدون آن که با داستان آشنایی داشته باشد بتواند عقلاً و احساساً با این موضوع ارتباط برقرار کند.

در واقع ما در تئاتر عاشورایی دیگر نمی توانیم روی گذارنده معتقد حساب کنیم، آن عمل یک عمل عبادی است، در حالی که اینجا یک عمل زیبایی شناسانه مد نظر است. پس باید تئاتر عاشورایی از آئین عاشورایی حسابش جدا شود.

■ برخی معتقدند در نمایش های امروزی کمتر به آئین های مذهبی و مضامین عاشورایی پرداخته می شود، بنابراین می توان با بهره گیری از آئین های سنتی در مضامین امروزی اثری خلاقانه ارائه کنیم که در تماشاگر ایرانی بتواند تأثیر بگذارد.

ما کمتر از شکل های سنتی و بومی استفاده می کنیم. اما از مفاهیم دینی بسیار استفاده می کنیم. من نمایشنامه ای سراغ ندارم که روی مفاهیم عقلانی و مثبت انسانی دست نگذاشته باشد. حتی آثار خارجی که می گویند راستگو باش، وفادار باش، پیمان خودت را مراعات کن و... در واقع احکام الهی را برای ما بازگو می کنند. اما تعدادی از دوستان تمایل دارند که شکل های شیعی را هم در نمایش ببینند. مثلاً مراسم خاص عزاداری در محرم، تعاملات یک جامعه شیعی، معماری و... در واقع گروهی معتقدند که شکل و پوسته اصلی هم به طور کامل باید بومی باشد ما بار دیگر به یک تئوری تئاتری بازمی گردیم که می گوید «اگر ما بخواهیم یک حرکت تئاتری شمول داشته باشیم آیا باید صد در صد بومی باشیم.» دیدگاه دیگری هم وجود دارد که می گوید «ما متکی بر فرهنگ، اندیشه، سنت ها و جغرافیای بومی خودمان حرکتی به سوی جهان را آغاز می کنیم.» در واقع دیدگاه دوم دیدگاه عقلانی تری است. گرچه با دیدگاه های دیگر هم آثار خوبی خلق شده، این بستگی دارد به تماشاگری که برایش می خواهیم کارمان را اجرا کنیم. اگر ما می خواهیم برای تماشاگر جهانی خوراکی فراهم کنیم باید بر اساس دیدگاه دوم کار کنیم. اگر می خواهیم برای تماشاگر ایرانی آشنا با کدها و نشانه ها اثری ارائه دهیم باید سنتی و بومی رفتار کنیم. شکل لامکانی و لازمانی هم شکل متنوع و زیبایی است اما افراط در آن باعث می شود که آدم ها در جزیره زندگی کنند و همه با ایما و اشارات انتزاعی سعی در انتقال مفاهیم داشته باشند. هنر بورژوازی شکل می گیرد که با سلیقه من همخوانی ندارد.

ما وقتی به تمام تاریخ ها نگاه می کنیم حماسه ای همچون کربلا را نمی توانیم در جهان ببینیم

ما وقتی به تمام تاریخ ها نگاه می کنیم حماسه ای همچون کربلا را نمی توانیم در جهان ببینیم، حالا اگر ما بتوانیم این موضوع را به جهان عرضه کنیم که متأسفانه تاکنون چنین نکرده ایم، البته خود من با «غزل کفر» به عنوان نویسنده که در پاریس اجرا شد کاری صورت دادم اما این که حرکت رفیعی داشته باشیم که متون بروند، اجرا شوند نداشته ایم. امروز اگر بخواهیم تئاتر با موضوع عاشورا کار کنیم باید پا را فراتر بگذاریم.

■ آیا معتقدید که همایش آئین های عاشورایی یک اتفاق داخلی است که با یک اتفاق جهانی فاصله زیادی دارد و تأثیرگذاری اش محدود به مجاورت معنوی ماست؟

نه صددرصد بله و نه صددرصد خیر. موضوعات علوم انسانی این طور هستند. شاید در علوم ریاضی جواب روشن داشته باشیم که ۱+۱ می شود ۲ اما در علوم انسانی ضرورتاً پاسخ ۲ نیست. ببینید تاکنون همایش آئین های عاشورایی یک عمل عبادی بوده که به تدریج یک عمل زیبایی شناسی عقل گرایانه هم شکل گرفته، این جریان در جشنواره تئاتر رضوی هم بود. حالا در داخل کشور این موضوع گسترش پیدا کرده و آثاری به وجود آمدند که خارج از محرم می شود در سالن ها اجرا کرد، حالا حرکت در حال ادامه پیدا کردن است و من معتقدم باید به جهان هم نگاه کنیم، با این حساب باید اول از همه عقلانی نگاه و فکر کنیم. در حال حاضر با توجه به فعالیت هایی که در این چند سال دیده ایم حرکتش رو به داخل است، اما در همین حرکت های رو به داخل هم ده، پانزده متن سراغ دارم که می توانند حرکت جهانی داشته باشند. وظیفه ما این است که این حضور را معرفی کنیم درغیر این صورت موفق نخواهیم بود.

■ رویکردتان در داوری آثار همایش چگونه بوده است؟

با توجه به تجربه ای که ربع قرن در حوزه آموزش و صحنه تئاتر داشته ام و فعالیت هایی که در این زمینه داشته ام اگر بخواهیم اصول تئاتری را فشرده کنم دو چیز برای من اهمیت دارد: «شگفتی» و «اجتناب ناپذیری». حتماً می دانید که قواعد تئاتری و بازیگری براساس ژانرها و مکتب مختلف متفاوت است. اما بنیاد بازیگری باورپذیری و بنیاد های یک اثر نمایشی «شگفتی» است. یعنی باید باور شود و ماندگار شود که من اسمش را «اجتناب ناپذیری» می گذارم. احتمال دارد من در ورود به سالن با قواعد جدیدی روبه رو شوم، دیگر نمی توانم براساس قواعد قبلی قضاوت کنم، بلکه با اثری زنده روبه رو خواهم بود که این دو اصل را باید داشته باشند و البته زیر مجموعه همه قوانین و آموزه های تئاتری.